بسم‌الله الرحمن الرحیم

**متن درس فقه عبادات (خلل قبله) [[1]](#footnote-1) استـاد شوپایی جویباری زیدعزه**

اعوذبالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لعنت الله علی اعدائهم اجمعین

# [مرور گذشته]

قسمت دوم از عبارت مرحوم سید در صورت ثالثه که مورد تعلیقه اعلام قرار گرفته است اين است که فرموده بود «و کذا إن کان فی الأثناء» یعنی همانطور که بعد از فراغ از نماز و کشف خلاف در داخل وقت اعاده واجب است در انکشاف خلاف در اثنا نیز اعاده واجب است.

# [جهات بحث]

دراین قسمت دوجهت بحث وجوددارد:

* جهت اول: تحقیق دلیل بر حکم اعاده در انکشاف خلاف در اثناء
* جهت دوم: ایا این لزوم استیناف و اعاده در انکشاف خلاف در اثنا مطلق است حتی فرضی که شخص با تکیه بر قاعده " من ادرک" یک رکعت از وقت را درک کرده است و در اثناء همین نماز ملتفت انحراف از قبله شده است به طوری که اگربخواهد نماز را استیناف کند و از سر بگیرد، دیگر هیچ رکعتی را در وقت درک نمی کند آيا وجوب اعاده این فرض را هم شامل می‌شود یا اینکه باید تفصیل داد بین فرض‌های متعارف که بعد از قطع نماز و استیناف وقت برای درک حد اقل يک رکعت در وقت وجود دارد و بین فرض غیر متعارف که بعد از قطع نماز و استیناف دیگری نمی‌توان ولو یک رکعت را در وقت درک کرد.

## [جهت اول]

اصل اینکه در انکشاف خلاف در اثناء نماز دلیل چیست، مرحوم اقای حکیم فرموده است «و تقتضیه أدلة الشرطیة، و حدیث: «لا تعاد»، و موثق عمار، و النصوص المتقدمة بناء علی الأولویة أو عدم الفصل.» [[2]](#footnote-2)

### وجه اول: عمومات و اطلاقات اولیه

#### دلیل اول: ادله شرطیت

مقتضی خود ادله شرطیت این است که اگر همه یا بخشی از نماز منحرف از قبله خوانده شده است باید نماز اعاده شود ، خود ادله شرطیت اقتضاء این معنا را دارد عند انکشاف خلاف در اثناء اعاده لازم است.

#### دلیل دوم: حدیث لاتعاد:

در این حدیث گفته شده است که نماز به خاطر اخلال به غیر خمس از روی عذر اعاده نمی‌شود ولی اخلال به خمس موجب اعاده است ولو از روی عذر باشد و از آنجا که قبله از خمس است اخلال به قبله موجب بطلان نماز ولزوم اعاده است .

با توجه به اينکه در تمام اجزاء صلاه من التکبیر الی التسلیم قبله معتبر است اخلال به قبله در بخشی از نماز هم موجب بطلان نماز و لزوم اعاده است .

### وجه دوم: نصوص خاصه

#### 1. موثقه عمار

حدیث 4 باب 10 است که فرموده است:

محَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ‌عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ[1951] وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْيَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ یَحْيَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ‌عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍعَنْ مُصَدِّقٍ عَنْ عَمَّارٍعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلاَمُ‌قَالَ:فِي رَجُلٍ صَلَّى عَلَى غَیْرِ الْقِبْلَةِ‌ فَيَعْلَمُ‌ وَ هُوَ فِي الصَّلاَةِ‌ قَبْلَ‌ أَنْ‌ يَفْرُغَ‌ مِنْ‌ صَلاَتِهِ‌ قَالَ‌ إِنْ‌ كَانَ‌ مُتَوَجِّهاً فِيمَا بَيْنَ‌ الْمَشْرِقِ‌ وَ الْمَغْرِبِ‌ فَلْيُحَوِّلْ‌ وَجْهَهُ‌ إِلَى الْقِبْلَةِ‌ سَاعَةَ‌ يَعْلَمُ‌ وَ إِنْ‌ كَانَ‌ مُتَوَجِّهاً إِلَى دُبُرِ الْقِبْلَةِ‌ فَلْيَقْطَعِ‌ الصَّلاَةَ‌ ثُمَّ يُحَوِّلُ‌ وَجْهَهُ‌ إِلَى الْقِبْلَةِ‌ ثُمَّ يَفْتَتِحُ‌ الصَّلاَةَ‌.

این روایت موثقه عمار، موردش انکشاف خلاف در اثناء نماز است و موثقه عمار بر وجوب اعاده دلالت می‌کند

#### 2. روایات باب 11 به ضمّ اولویت یا عدم الفصل

علاوه بر این دو وجه روایات باب 11 نیز دلیل بر مدعی می‌شود که بین انکشاف خلاف داخل و خارج وقت تفصیل داده‌اند و آن روایات دلیل حکم بر وجوب اعاده بر انکشاف در اثناء نیز می‌شود ، با توجه به اینکه مفروض در آن روایات اين است که بعد از فراغ از نماز شخص ملتفت انحراف شده است و آن چه محل بحث است انکشاف خلاف در اثناء نماز است استدلال به آن روايات برای محل بحث محتاج به ضم مقدمه‌ای است که مرحوم اقای حکیم به آن اشاره فرموده است «و النصوص المتقدمة بناء علی الأولویة أو عدم الفصل» [[3]](#footnote-3)

##### [تقریب اولویت]

از روایات استفاده می‌شود که اگر در وقت انکشاف خلاف شد حتی اگر مکلف تمام نماز را منحرفا از قبله خوانده است و بعد از نماز ملتفت به آن شد اعاده واجب است ، اگر آنجا اعاده واجب باشد که معنايش اين است که یکبار دیگر کل نماز رابخواند در مثل محل بحث که بخشی از نماز منحرفا از قبله خوانده شده به طوری که اگر اعاده واجب باشد مکلف دیگر دو 4 رکعتی نمی‌خواند فقط بخشی از نماز را زيادتر می خواند دراینجا به طریق اولی اعاده واجب است اگر بعد از فراغ که مستلزم عمل اکثر است اعاده واجب باشد در اینجا که عمل اقل است به طریق اولی حکم در این فرض ثابت است به عبارت دیگر در جایی که انکشاف خلاف در اثناء باشد اینطور نیست که اعاده مستلزم فعل زیاد تری از فرض انکشاف بعد فراغ باشد، یا به تعبیر ثالث حکم در انکشاف خلاف در اثناء اسهل از حکم در انکشاف خلاف بعد از فراغ نیست وقتی در انکشاف بعد از فراغ اعاده واجب بود در انکشاف خلاف در اثناء نیز حکم جاری است.

##### [تقریب عدم الفصل]

اگر کسی اولویت را قبول نکند ولی وجوب اعاده بعد از فراغ از نماز به خاطر این است که شرط معتبر \_استقبال القبله \_رعایت نشده است برای تدارک و رعایت کردن شرط معتبر باید نماز را از سر بگیرد و این نکته در لزوم رعایت این شرط بین کل نماز و جزء نماز فرقی نیست و وجهی برای تفصیل بین این دو مورد وجود ندارد ، همانطور که اگر کل نماز بدون استقبال قبله باشد بی فایده است و باید دوباره نماز را با رعایت شرط اعاده کند، اگر بخشی از نماز بدون شرط انجام شده است باید از سرگرفته شود.

### [تحقیق از مانع یا دلیل اخری]

اما ایا در مقابل این وجوه سه گانه که لزوم اعاده را افاده می‌کند در مقابل دلیلی بر عدم وجوب اعاده وجود دارد یا اینکه دلیل اخری بر مدعا وجود دارد یانه؟!

#### 1. روایت قاسم بن ولید حدیث 3 باب 10 از ابواب قبله:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْوَلِيدِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَبَيَّنَ لَهُ وَ هُوَ فِي الصَّلَاةِ أَنَّهُ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ قَالَ يَسْتَقْبِلُهَا إِذَا أُثْبِتَ ذَلِكَ وَ إِنْ كَانَ فَرَغَ مِنْهَا فَلَا يُعِيدُهَا.

ضمیر مفعولی در "یستقبلها" محل بحث و اختلاف است که ایا این ضمیر به قبله راجع است یا به صلات راجع است؛

* اگر ضمیر به صلات برگردد این روایت فی حد نفسه دلیل بر مدعی است که لزوم اعاده در کشف خلاف اثناء است
* ولی اگر ضمیر به قبله برگردد یعنی اگر مثلاً دو رکعت را خوانده است که الان ملتفت شده است مستقبل قبله نبوده است دراینصورت استیناف لازم نیست و رعایت شرط قبله‌ای که تا حالاا نشده معفو است و از الان به بعد مستقبل قبله بشود دراینصورت مفاد روايت مخالف ادله سابقه می‌شود و دلالت بر عدم لزوم اعاده دارد.

مرحوم اقای حکیم که در بحث قبلی ضمیر را به قبله برگردانده بود نه به نماز ، یعنی استیناف و اعاده لازم نیست بلکه در بقيه نماز به طرف قبله می ايستد و نماز را تمام می کند ، ایشان باید این روایت را توجیه کند که مانع روایات سابقه نباشد ولی اگر کسی در بحث قبلی ضمیر را به صلات برگرداند که یعنی این نماز اعاده و استیناف دارد این روایت موافق با روایات سابقه می شود .

[بررسی مرجع ضمیر در روایت]

این بحث قبلاً گذشت، مرحوم اقای خویی فرموده بود که این ضمیر به قبله برمیگرده به خاطر اقرب بودن قبله به ضمیر؛ ولی در نظر مقابل این ضمیر به صلات برمیگیرده که دو وجه داشت:

1. در فقره بعدی حکم به عفو و عدم لزوم اعاده شده است ، مقتضای مقابله فقره اول با فقره دوم این است که در فقره اول حکم به عدم عفو شده باشد و اينکه اگر شخص احراز کرده باشد که قسمت قبلی نماز منحرف از قبله بوده بايد نماز را از سر بگيرد .
2. با توجه به اينکه در فقره دوم هاء مونث به صلات برمیگرده ( ضمیر در فلایعیدها به صلات برمیگردد ) ظاهر اين است که در یستقبلها نیز به صلات برگردد .

حال بنابر اینکه این روایت دلالت کند بر لزوم اعاده در اثناء، موافق روایات سابقه است و احتیاج به توجیه نداریم ولی بنابر اینکه به قبله برگردد دلالت بر عدم لزوم اعاده می‌کند ایا به این روایت می‌توان ملتزم شد یا نه؟

##### [اشکال سندی در روایت قاسم بن ولید]

اشکالی که در این قسمت وارد است اشکال من حیث السند است زیرا افراد واقع در سند تا قاسم بن ولید هرچند از ثقات هستند ولی در مورد قاسم بن الولید توثیقی در کار نیست لذا در کتب فقهی از این روايت تعبیر شده است که "فی الصحیح عن القاسم بن الولید" با روایت ضعیف السند نمی‌توان رفع ید از وجوه تامه کرد. گرچه مرحوم وحید بن بهبهانی در مصابیح [[4]](#footnote-4)وقتی این روایت را نقل کرده است فرموده است کتاب قاسم بن وليد لايخلو عن اعتبار و عبدالله بن مغیره که از قاسم بن وليد نقل می کند نیز جز اصحاب اجماع است و بنابر این مبنا می‌شود روایت را معتبر قرار داد ولی این مبنا خودش محل اشکال است و نمی تواند مشکل سند روايت را حل کرد.

#### [تدقیق در دلیلیت روایت قاسم بن ولید]

حال علی تقدیر اغماض از سند روایت ایا این روایت اگر دلالت بر لزوم اعاده بکند ایا به عنوان دلیل در کنار ادله سابق قرار می‌گیرد یا اینکه اگر بر عدم لزوم دلالت کند ایا در رتبه مانع قرار می‌گیرد؟

اقای حکیم: این روایت نمی‌تواند دليل بر عدم لزوم اعاده در مقام باشد بلکه این روایت باید حمل بر غیر محل کلام حمل شود زیرا محل کلام انحراف کثیر است مرحوم حکیم فرموده است عدم لزوم اعاده در اين روايت، ناظر به مواردی است که انحراف کمتر از 90 درجه باشد و مابین یمین و یسار باشد به قرینه ذیل روایت که دلالت دارد اگر بعد از فراغ از نماز شخص ملتفت به انحراف شد دیگر لازم نیست اعاده کند و این عدم الاعاده بعد از فراغ در انکشاف در داخل وقت برای جایی است که انحراف کمتر از 90 درجه باشد؛ لذا اگرضمیر به قبله برگردد که دال بر عدم لزوم باشد این روايت مانع از وجوه سابقه نيست و حمل بر غیر محل کلام می‌شود .

پس در کشف خلاف در اثناء مشکلی وجود ندارد و حکم در اصل مساله ثابت می‌شود.

## [جهت ثانیه]

عمده در بحث مربوط به این جهت است که آیا لزوم اعاده و استیناف اطلاق دارد و این مورد را شامل می‌شود که اگر در اخر وقت استیناف کند دیگر حتی يک رکعت از وقت را درک نمی کند ایا این مورد را شامل می‌شود یا اینکه چنین شمولی ندارد و باید تفصیل داد؟

مرحوم سید مقتضی اطلاق ایشان اين است که حکم شامل این فرض می‌شود و تفصیلی در کار نیست و اعلامی که به عبارت مرحوم سید تعلیقه نزده‌اند هم نظر با مرحوم سید هستند ازجمله اقای خویی که تعلیقه نزده‌اند و در بحث استدلالی قائل به اطلاق و عدم تفصیل شده‌اند؛ مرحوم امام فرموده‌اند باید بین این فرض اخر وقت و سایر فروض متعارف تفصیل داد و مرحوم حکیم نیز هم نظر ایشان است و محقق همدانی نیز این نظر تفصیل را پذیرفته‌اند و فرموده اند در فرض خاص باید همین نماز را تکمیل و اتمام کرد.

مرحوم اقای حکیم نقل کرده‌اند که در این مساله دو وجه وجود دارد عده‌ای قائل به تفصیل شده‌اند ولی مرحوم شهید در ذکری تردد کرده است خود مرحوم اقای حکیم اقرب به ذهن را همین تفصیل دانسته‌اند.

### [بررسی مقتضی ادله در مقام]

مقتضی اطلاقات اولیه \_ ادله شرطیت و حدیث لاتعاد\_ این است که دراین مورد خاص نیز حکم به لزوم اعاده و استیناف شود و اختلاف اعلام دراین مساله در تفصیل و عدم آن در این است که ایا در مقابل اطلاقات اولیه دلیل دال بر صحت نماز در این فرض وجود دارد یا اینکه نه دلیل در مقابل وجود ندارد و باید به مقتضی اولیه برگشت یا حتی بالاتر دلیل خاص بر وجوب استیناف وجود دارد مثل موثقه عمار که در فرض‌های متعارف دلیل بود شامل این فرض خاص نیز می‌شود یاخیر؟؟!

#### [ادله قائلین عدم استیناف]

همانطور که در مستمسک آمده است انهایی که قائل به صحت نماز در این فرض شده‌اند و قائل به لزوم اتمام نماز با استقبال قبله در بقيه نماز شده‌اند به دو وجه ممکن است استناد بکنند:

وجه اول: روایات باب 11؛ که بین انکشاف خلاف داخل و خارج وقت تفصل داده‌اند؛ درانکشاف خلاف در خارج وقت اعاده واجب نیست حال این روایات چگونه شامل این فرض بشود؟ یا برخی از این روایات این فرض را شامل می‌شود که عند التفات وقت خارج شده باشد مثل اینکه کسی ادعا کند که امده است که تعبير« و ان فاتک الوقت فلاتعد» شامل اين فرض می شود .

یا اینکه اگر چه این روایات این فرض را شامل نمی‌شود بلکه همه روایات باب 11 اختصاص به جایی دارد که بعد از فراغ از نماز کشف خلاف شود ولی وقتی ان روایات در فرض بعد از فراغ حکم به عدم لزوم اعاده کرده‌اند در محل بحث نیز می‌توان حکم عدم لزوم اعاده را استفاده کرد زیرا نکته عدم لزوم اعاده درآن روایات اين است که شخص متمکن از رعایت در قبله در وقت نیست این نکته در محل بحث نیز جاری است و در محل بحث نیز تمکن از رعایت قبله در وقت را ندارد ولو ازجهت الفاظ وارده در روایات شامل فرض محل بحث نشود ولی نکتهٔ حکم در آن روایات شامل محل بحث می‌شود.

1. دوشنبه،26شهریور1403 [↑](#footnote-ref-1)
2. مستمسک العروة الوثقی، جلد: ۵، صفحه: ۲۳۳ [↑](#footnote-ref-2)
3. مستمسک العروة الوثقی، جلد: ۵، صفحه: ۲۳۳ [↑](#footnote-ref-3)
4. مصابیح الظلام في شرح مفاتیح الشرائع، جلد: ۶، صفحه: ۴۳۵ «و مثل صحيحة عبد اللّه بن المغيرة - أو كالصحيحة - عن القاسم بن الوليد - و لا يخلو كتابه عن اعتبار، مع أنّ‌ ابن المغيرة ممّن أجمعت العصابة - قال: سألته عليه السّلام عن رجل تبيّن له و هو في الصلاة أنّه على غير القبلة‌؟ قال: «يستقبلها إذا ثبت ذلك، و إن كان فرغ منها فلا يعيدها» . [↑](#footnote-ref-4)